

روایاتی که می‌آید

ساسان گلفر
cinemaglobe.blogfa.com
پایان تبعید

■ فیلم‌های فرانسوی در اکران بین‌المللی این هفته حرف اول را می‌زنند، گرچه فقط یکی از فیلم‌های معرفی شده در این ستون فرانسوی است و معرفی بقیه به صفحه بعدی موکول شده است. چینی‌ها هم این هفته با دست پر به میدان آمده‌اند و آمریکایی‌ها با فیلمی که در کانادا فیلمبرداری شده، عوامل اصلی آن از روسیه، اسپانیا و کشورهای دیگر آمده‌اند و نمونه مشخصی از مبحث جهانی شدن در سینماست.

■■■

آپولو ۱۸



نمونه‌ای دیگر از فیلم‌های ترسناکی که ظاهراً با استفاده از فیلم‌های مستند بر جامانده از رویدادی مرگبار و رموز ساخته می‌شوند؛ این بار داستان بر بستر مسابقه فضایی آمریکا و شوروی در دهه ۱۹۷۰ اتفاق می‌افتد. در این داستان، سازمان ناسا پس از ماموریت آپولو ۱۷ سفینه دیگری را به ماه می‌فرستد و وجود گونه‌هایی از حیات انگل مانند در ماه که به سرنشینان حمله می‌کنند، دولت آمریکا را به مخفی کاری درباره این ماموریت وامی‌دارد و البته بعد از آن برای همیشه از فرستادن سفینه‌های سرنشین‌دار به ماه منصرف می‌کند. گوزن‌الو لوپز کالگو اسپانیایی که بیشتر در حوزه تلویزیون فعالیت داشته، فیلم را کارگردانی کرده، تیمور بک‌ملمبف (کارگردان «تحت تعقیب» و «هنگیان روز») تهیه‌کننده فیلم است و لوید اوپن و وارن کریستی در آن بازی می‌کنند.



آخرین فیلم آلن کورنو که سال گذشته در کشورهای فرانسه زبان روی پرده رفته بود و اکران آن در کشورهای دیگر آغاز شده، درامی دلهره‌آور است درباره جنگ قدرت میان دو زن همکار که ارتباط رییس و مرئوس میان آن دو به جنایت منتهی می‌شود؛ فیلمی با تعلیق‌های هیجکاک‌ی و چرخش‌های داستانی غافلگیرکننده. فیلمنامه را آلن کورنو و ناتالی کارتر نوشته‌اند و کریستین اسکات تامس، لودیوین سسینه، پاتریک میله، گیوم مار که، ژالد لاروش و جولیان راشفور در فیلم‌بازی می‌کنند. فیلم محصول کشور فرانسه است و زمان نمایش آن ۱۰۴ دقیقه است.

کارآگاه دی و راز شعله شبح



Detective Dee and the Mystery of the Phantom Flame
این فیلم هنگ‌کنگی که برخلاف عنوان طولانی انگلیسی آن، در زبان ماندارین Di Renjie نام دارد، سال گذشته نامزد جایزه شیرطلایی جشنواره ونیز بود و در جشنواره هنگ‌کنگ و جشنواره فیلم آسیا برنده و نامزد جوایز متعددی شد. قهرمان فیلم که برگرفته از شخصیتی مشهور در فرهنگ عامه چین است، کارآگاهی است که در پایان قرن هفتم میلادی بعد از هشت سال زندگی در تبعید، از نسوی امپراتریس وو زتیان به کار دعوت می‌شود؛ چون مرگ اسرارآمیز تعدادی از درباریان باعث به تأخیر افتادن مراسم تاجگذاری شده است. اندی لائو، کارترین لائو، لی یینگ یینگ و تونی لیونگ کافای از بازیگران این فیلم هستند که با بودجه ۲۰ میلیون دلار تولید شده است. زمان نمایش فیلم ۱۲۲ دقیقه و درجه بندی آن بی‌جی ۱۲ است.

هفت روز در یوتوپیا



مرد جوانی که آغاز کارش در ورزش گلف حرفه‌ای با شکستی فاجعه‌بار همراه بوده، گذارش به منطقه یوتوپیا تگزاس می‌افتد و مورد استقبال مزرعه‌داری قرار می‌گیرد که رفتاری نامتعارف دارد. این درام ورزشی که با درجه‌بندی جی به نمایش درآمده (تماشای آن برای همه سنین بدون اشکال است) اولین تجربه کارگردانی مت‌راسل است که پیش از این مسئول جلوه‌های ویژه بصری فیلم‌هایی مانند «زاد زندگی کن یا سخت بمیر» و «تشی» در موزون» بود. فیلمنامه را مت راسل و راب لیوان نوشته‌اند و لوکاس بلک، رابرت دووال و ملیسا لئو نقش‌های اصلی فیلم را بر عهده دارند.

آخرین مصاحبه پیش از مرگ آلن کورنو درباره «جنایت عشق»

همیشه از ناامید شدن می‌ترسم

امانوئل فروآ/ ترجمه: پریا لطیفی‌خواه

عشق» فیلمی دشوار، حساب شده و بدون میزانشن مشخص است که بی‌وقفه با ابهام در رابطه دو قهرمان زن، بازی می‌کند و توطئه، فریب و رقابت میان آن دو را به نمایش می‌گذارد. رابطه سلطه میان رییس و مرئوس همیشه مورد علاقه من بوده است اما در اینجا ما با رابطه یک استاد کاذب و یک شاگرد کاذب طرف هستیم که به یک بن‌بست اخلاقی منجر می‌شود.

■ تفسیر این مورد اخیر در مورد شخصیتی که نقش او را لودیوین سسینه بازی می‌کند، این است که او در جست‌وجوی هویت است. چرا این مضمون دایما در سینمای شما خود را نشان می‌دهد؟

هیچ‌وقت نتوانستم پاسخ این سوال را پیدا کنم؛ من در زندگی شخصی هرگز دغدغه چنین جست‌وجویی را نداشتم. من کودکی شادی داشتم؛ام با پدر و مادری معر که دامپزشک روستا بودند. نباید از سینمای من، این را برداشت کرد که من مشکل داشتم.

■ علاقه شدید شما به هنر هفتم دقیقاًاز کجا آمد؟ پدرم مرا به تماشای فیلم‌هایی می‌برد از ژانرهای مختلف خودشان دوست داشت. ویروس، این طوری در من باقی ماند! شوک بزرگ دوران جوانی من در اورلئان، کشف

سینما و کشف آمریکایی‌ها بود. نیروهای پیمان نظامی ناتو در سراسر آن منطقه حضور داشتند. آمریکایی‌ها سینمای خودشان را به آنجا آوردند و من هم به شدت شیفته آن فیلم‌ها شدم. ۱۶ساله که شدم، نوازنده درام یک گروه جاز شدم که در باشگاه‌های افسران و سربازان موسیقی اجرا می‌کرد.

■ مدت‌ها بود که فیلمنامه غیراقتباسی ننوشته بودید. به دلیل این بود که نمی‌توانستید الهام بگیرید؟

نمی‌دانم. یادم می‌آید که طرح «پلیس پیتون» را در مدت دو ساعت نوشتم. به لطف (ایو) مونتان بود که کار سینما را ادامه دادم. موقعی که در فیلم «اعتراف» دستیار کوستاگواراس را بازی کردم، با او آشنا شدم. بلافاصله قبول کرد که نقش پلیس پیتون» را بازی کند. **با این فیلم مسیر زندگی حرفه‌ای من تغییر کرد؛ چون اولین فیلم من که قبل از آن ساخته شده بود، «جامعه بی‌نام و نشان فرانسه» (۱۹۷۴) شکستی وحشتناک بود.** بعد از آن از کتاب‌های متعددی برای سینما اقتباس کردم که فیلم به فیلم به من کمک کردند تا سه تغییر بزرگ در سبک خودم به وجود بیاورم.

دو نگاه به فیلم «جنایت عشق»

بی‌اعتمادی به وقایع روی پرده

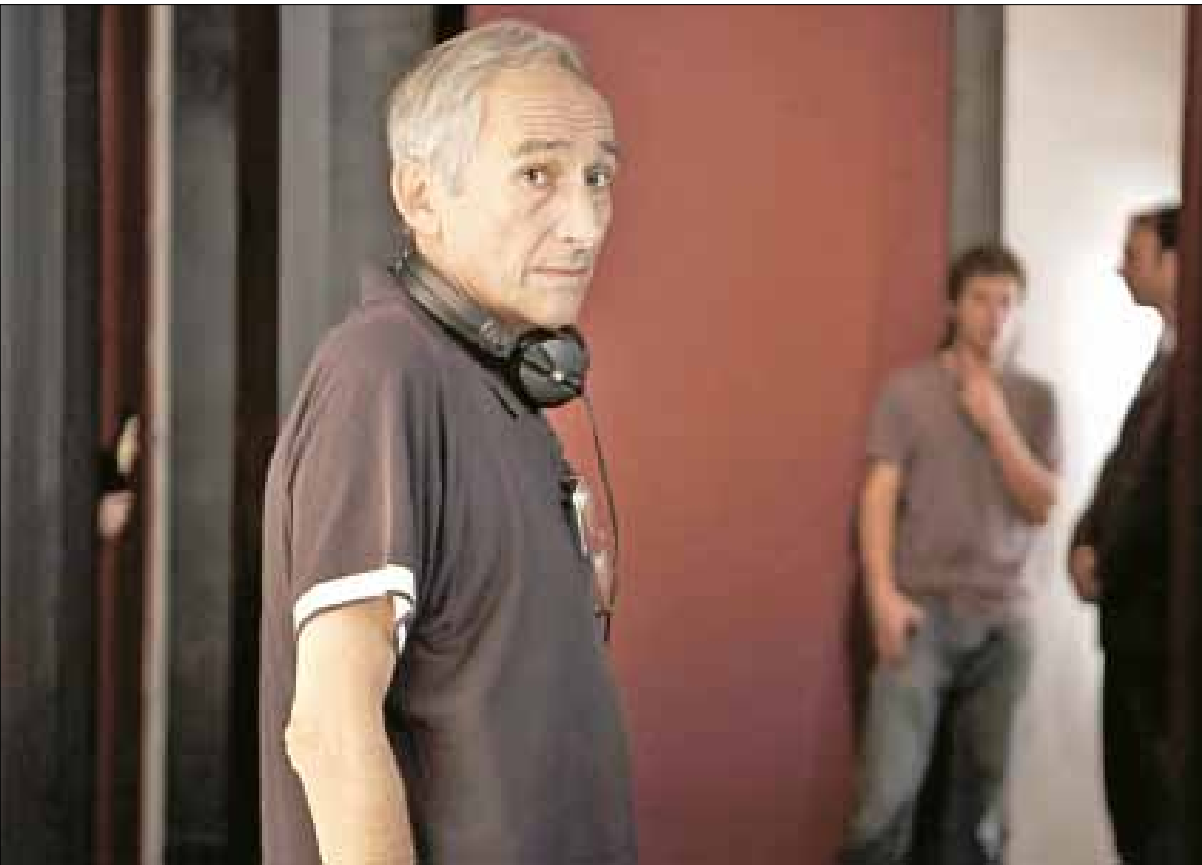
ترجمه: وحیدالله موسوی

نیست و سرد و سفت و سخت است، اما در نماهای دو نفره کنترل شده توانسته چنان فضایی بسازد که اسکات توماس و سسینه بتوانند چیزهای دور و برشان را تکه پاره کنند: صحنه را بازیگر مرد همبازیشان را و در آخر یکدیگر را.

نکته قابل ذکر دیگر وجود موسیقی جاز ساخته فاروا ساندرز است که با ساکسیفون پر شده-ضربه‌هایی قوی که به کنش خصلتی غیرقابل پیش‌بینی و توهما را می‌دهند-نوعی عنصر یادآوری‌کننده که مانعاید هیچ‌گاه به وقایع حادث شده بر پرده اعتماد کنیم.

دنیای خوئین تجارت

برنارد بسرگلیک (هالیوود ریپورتر)– «جنایت عشق»، فیلم دلهره‌آور آلن کورنو، به کندوکاو در مخاطرات آمیزش تجارت با لذت می‌پردازد. این حکایت بازی‌های قدرت و فریب که به قتل در دنیایی پر از تزویر و نیرنگ‌های اداری می‌پردازد از بازی صیقل‌یافته کریستین اسکات تامس و لودیوین سسینه خوش آتیه بهره می‌برد. این فیلم باید فروش خوبی در گیشه داشته باشد، هر چند پیرنگ داستانش در برابر یک بررسی موشکافانه تاب نمی‌آورد.



منبع: OutNow

■ شما آثاری از جیم تامپسن، آنتونیو تابوچی، پاسکال گینار، املی نیوتام و نویسندگان دیگر را به تصویر کشیده‌اید...

آه، جیم تامپسن! شخصیت بزرگ و برجسته‌ای بود، حیف که به الکلیسم مبتلا شد! مدت‌ها بود که رمان‌هایش را می‌خواندم و رمان «رازل و اویاش» (Des cliques et des cloaques) او را به فیلم «سری نوار» (۱۹۷۹) تبدیل کردم. از ژرژ پره، که در سینماتک با او آشنا شده بودم و فیلم‌های پلیسی را خیلی دوست داشت، خواستم که روی دیالوگ‌ها کار کند. او به فیلم ویژگی‌خنده آور و هذیان‌گونه‌ای بخشید که بعد، با شخصیتی که پاتریک دوار در فیلم ایجاد کرد، عمیق‌تر شد هم.

■ هیچ‌وقت احساس تاسف کرده‌اید؟

من این بخت را داشتم‌ام که روی پروژه‌های خوبی کار کنم که به دلم می‌نخستند، حتی آنهایی که عجیب و غریب‌تر بودند، مثل «آواز شبانه هندی» که «همه صبح‌های دنیا» که برای آن ساختم که دوست داشتم فیلمی بر مبنای موسیقی باروک بسازم. بدون شک خیلی از فیلم‌های بلندم می‌توانستند فیلم‌های موفق‌تری باشند، اما من سعی می‌کنم به یاد نیاورم.

■ چرا؟

چون برای من کار راحتی نیست، همیشه از ناامید شدن می‌ترسم.

منبع: فیگارو

سال نهم ■ شماره ۱۳۳۴

پر تره هنرمند

زندگی و آثار آلن کورنو
پایان همه صبح‌ها

پی‌یر پرون

■ آلن کورنو، فیلمساز فرانسوی، ۱۶ فیلم در ژانرهای گوناگون ساخت؛ از درام تیره و تار و غم‌انگیز «سری نوار» در سال ۱۹۷۹ با بازی خیره‌کننده‌ای از پاتریک دوار در نقش ویزیتوری که در مکان‌های اشتباه به دنبال رستگاری می‌گشت تا «جنایت عشق»، تریلری روان‌شناختی با حضور کریستین اسکات تامس و لودیوین سسینه که هفته پیش از مرگ کورنو در فرانسه نمایش داده شد و مورد تحسین منتقدان قرار گرفت، خاتم اسکات تامس پس از مرگ کورنو، او را «یکی از بزرگان سینما که بسیار تحسین‌برانگیز، شوخ‌طبع و هوشمند بود» توصیف کرد.

کورنو در سطح بین‌المللی بیش از همه برای «همه صبح‌های دنیا» شهرت دارد؛ فیلمی دلنشین که با ظرافت یک نقاش ترسیم شده و درباره ارتباط آهنگساز دربار ورسای، مارن ماره (با بازی ژرار دپاردیو و پسرش گیوم دپاردیو) با استاد زیبایی‌شناسی او، ژان دو سن کولون، که نقش او را ژان پی‌یر ماری‌بل بسیار عالی ایفا کرده، است.

«همه صبح‌های دنیا» که در سال ۱۹۹۱ روی پرده رفت، موفقیتی مثال‌زدنی بود. بیش از دومیلیون بلیت آن فیلم فقط در فرانسه فروخته شد و هفت جایزه سزار سال ۱۹۹۲، از جمله بهترین فیلم و بهترین کارگردانی نصیب آن شد. به گفته کورنو، «این فیلم احساسات بسیاری از مردم را برانگیخت و امکشل را پیدا کرد که از جایگاه یک فیلم صرفاً کالت فراتر برود.» «همه صبح‌های دنیا» در بیش از ۳۲۰کشور اکران شد و موسیقی باروک فرانسوی و ساز ویولا دا گلمبا – یک ساز زهی که با آرشه نواخته می‌شد و استفاده از آن در قرن‌های هفدهم و هجدهم رواج داشت– را احیا کرد. ژوردی ساول، نوازنده کاتالان که موسیقی متن برنده چندین جایزه این فیلم را همراه با ارکستر مجلسی «کنسرت ملل» اجرا کرده است، به یاد می‌آورد، زمانی که کورنو با حضور دایمی در استودیو، ارکستر آنها را رهبری می‌کرد، همان توجه و ثبات رأیی را نشان می‌داد که خود سن کولون در کارش داشت.

کورنو در سال ۱۹۴۳ در شهر کوچکی در منطقه لواره در مرکز فرانسه به دنیا آمد. عشق به سینما هنگامی در او شکل گرفت که همراه با پدرش که دامپزشک بود برای تماشای فیلم‌ها به منطقه اورلئان می‌رفت که به آنجا نزدیک بود. نزدیک بودن پایگاه هوایی ناپل باعث رشد علاقه‌او به موسیقی جاز شد و در اواخر دهه ۱۹۵۰ او نوازنده درام گروهی شد که برای سرگرم کردن افسران و کارکنان آن پایگاه به اجرای



نمایش از فیلم «دومین نفس»

موسیقی می‌پرداختند. شغفتگی او به فرهنگ و مردم آمریکا محور زندگی‌نامه‌ای است که در سال ۱۹۹۵ با عنوان «دنیای نو» درباره خود نوشت و همچنین نمودش را در فیلم کوتاهی با عنوان «یا در هارلم جاز وجود دارد؟» می‌توان دید که بلافاصله پس از فارغ‌التحصیلی از «فستیو عالی مطالعات سینمایی» پاریس در نیویورک ساخت. بعد از دستگیری راجر کورمن در فیلم «ستانبول، ماموریت غیرممکن» (با «هدف: هری – ۱۹۶۹) با کوستا گوارس در «اعتراف» (۱۹۷۰) همکاری کرد و با بازیگر نقش اول آن فیلم، ایو مونتان که از خوانندگی به بازیگری روی آورده بود، دوست شد. مونتان موافقت کرد که نقش بارزس پلیس را در فیلم «پلیس پیتون ۲۴۵۷» دومین فیلم بلند کورنو که در سال ۱۹۷۶ ساخته شد، ایفا کند. مونتان در دو درام پلیسی دیگر او، «هپدیده» (۱۹۷۷) و «انتخاب اسلحه» (۱۹۸۱) نیز بازی کرد. در «انتخاب اسلحه» که چند سال پیش در ایران نیز روی پرده رفت-م) ژرار دپاردیو و کارترین دونوو بازی می‌کنند و هر دو نفر قرارداد بازی در فیلم بعدی کورنو را امضا کردند. آن فیلم درامی محاسسی به نام «قلعه ساگان» (۱۹۸۴) بود که داستانش در مستعمره‌های فرانسه می‌گذشت، «قلعه ساگان» در لوکیشن‌های موریتانی با بودجه‌ای عظیم ساخته شد و با وجود زمان طولانی سه ساعتش تماشاگران فراوانی داشت.

یکی از مضامین همیشگی کورنو، جست‌وجوی هویت بود که به تأثیرگذارترین شکل در این فیلم‌ها به آن پرداخت: «آواز شبانه هندی» (۱۹۸۹) که داستانش در هندوستان می‌گذشت و در انگلستان فیلمبرداری شد، «شاهزاده اقیانوس آرام» (۲۰۰۰) که در جزایر پولینزی فرانسه ساخته شد، «ترس و لرز» (۲۰۰۳) که در پاریس اما به زبان ژاپنی و با تلفظ صحیحی که خاتم سیلوی تستاد بازیگر در مدت سه ماه آموخت، ساخته شد. بعد از ملودرام «یک نوع آبی» (۲۰۰۵) که در آن نیز سیلوی تستاد حضور داشت، با «دومین نفس» (۲۰۰۷) بار دیگر به ژانر پلیسی بازگشت که بیش از آنکه بازسازی اقتباس ژان پی‌یر ملویل از رمان ژوزه جووانی در چهار دهه پیش از آن باشد، بازنگری در آن بود. در این فیلم، کورنو داتیل اونوی، مونیکا بلوچی و اریک کانتونا بازی می‌کردند. او در مصاحبه‌ای گفت: «برخی از فیلم‌هایم می‌توانستند بهتر شوند، اما من از تماشای دوباره آنها پر هیز می‌کنم.»

منبع: ایندپیندنت